

بنیادگرایی تهدید مشترک افغانستان و پاکستان

رحیم حمیدی



طالبان در هر یک از کشورهای منجر به تشدید فعالیت آن ها می شود. این مسئله ضرورت مبارزه مشترک را می طلبد. دوم: دولت افغانستان از ۱۳۸۹ به این سو پروژه صلح با گروه های مخالف مسلح دولت را در پیش گرفته است. پروسه صلح تا هنوز نتیجه بخش نبوده است. تلاش های آمریکا، چین، پاکستان و افغانستان برای متقاعد کردن گروه طالبان سودمند نبوده است. گروه طالبان با صراحت اعلان داشته است که با حکومت افغانستان گفتگو نمی کند. همین تجربه را حکومت پاکستان نیز تجربه نموده است. در سال ۲۰۰۹ میلادی حکومت پاکستان از گروه های مخالف مسلح خود درخواست نمود تا با حکومت اسلام آباد گفتگو نماید گروه طالبان پاکستانی همانند گروه طالبان افغانستانی دست رد به سینه حکومت پاکستان زد. حداقل تجربه پاکستان نشان می دهد که این گروه طرفدار گفتگو نیست. آنها چیزی غیر از خشونت نمی شناسد. بنابراین، با توجه به تجربه چندین ساله افغانستان و تجربه پاکستان لازم است که تجدید نظر جدی در پروسه صلح صورت گیرد و از هدر رفتن هزینه ها جلوگیری شود.

با وجود تلاش های پاکستان و عربستان سعودی اما، امارت اسلامی طالبان مشروعیت بین المللی نیافت. این امرت رشد بنیادگرایی را در هر دو کشور وجود داد. اشتباه است اگر بیندازیم که بنیادگرایی یک پدیده بیرونی است و این پدیده از بیرون وارد افغانستان شده است. بنیادگرایی محصول فرهنگ، اجتماع و اقتصاد دو کشور است. اما در یک دوره با حمایت مالی ایالات متحده آمریکا و عربستان سعودی از گروه های بنیادگرایی افغانی به خاطر جنگ در برابر قشون سرخ شوروی در افغانستان حمایت می کرد. زمانی که ارتش سرخ شوروی شکست خورد و افغانستان را ترک کرد پاکستان حمایت خود را محدود به دو یا چند گروه جهادی کرد. بعدها گروه طالبان توجه پاکستان را جلب کرد. پاکستان و عربستان سعودی دو کشور بود که امارت اسلامی طالبان را به رسمیت شناخت و تلاش می ورزید تا امارت اسلامی طالبان از سوی کشورهای دیگر نیز به رسمیت شناخته شود.

حکومت افغانستان از سال ۲۰۰۸ به بعد در عمل از تمام مسایل حکومتداری و بازسازی دست کشید و به صورت سطحی و سمبولیک توجه خود را به مسأله صلح با مخالفان مسلح معطوف نمود. اگر این عطف توجه بر مبنای واقعیت های سیاسی و امنیتی کشور و منطقه صورت می گرفت و راهبردها و رویکردهای مشخص برای دستیابی به صلح در نظر گرفته می شد، امر ضروری و پسندیده تلقی می شد؛ اما تأسفد در اینجا است که حکومت هیچ استراتژی، خط سیر و برنامه ای برای مذاکره با شورشیان نداشت. اغلب مسایل صلح به گونه شعاری دنبال می شد و تنها در حرف روی آن تأکید می گردید. طی این سال ها از مسأله صلح به حثت یک ابزار برای توجیه ناکامی های حکومت استفاده می شد و پنهان ای برای سوق و تخصیص بودجه برای بازسازی مناطق سرحدی و ولایات نامن. بودجه ای که هیچگاه به مصرف نرسید و پروژه هایی که هرگز تطبیق نشد. همه چیز به گونه خیالی و شعاری پیش می رفت. حتی آمارهای رسمی دولتی در فضای خیالی تهیه می شد و در اختیار مردم قرار می گرفت. دور دوم ریاست جمهوری کرزی را می توان از ناکام ترین دوره ها در پانزده سال گذشته یاد کرد. در این دوره کمک های خارجی بی پروا حیف و میل می شد. قانون اساسی از سوی مقامات بلند پایه حکومتی نادیده گرفته می شد و فساد در تمام ادارات ریشه دوانده بود و چتر معافیت، حاشیه امنی را برای مافیای قدرت و ثروت به وجود آورده بود. اگر مردم افغانستان پس از خروج نیروهای خارجی یکباره بر لبه پرگاه سقوط قرار گرفت، عمده ترین عاملش کمکاری ها و بی بند و باری های سیاسی و اداری بود که در آن دوره به حد عمل فراگیر تبدیل شده بود. با روی کار آمدن حکومت وحدت ملی و جالش های عمیق و فراگیری که در زمینه کار، اشتغال و درآمد مردم به وجود آمد، انتظار آن بود که حکومت زندگی و رفاه مردم افغانستان را بازمی به پای صلح خیالی قربانی نسیازد؛ بلکه روی یک راه حل واقعی، همه جانبه و مبتنی بر منافع ملی افغانستان مکت نماید. اگرچه موضع گیری های حکومت وحدت ملی در قبال صلح و مذاکره با مخالفان مسلح دولت، واقع بینانه تر به نظر می رسید؛ اما از آنجایی که جنگ و صلح در افغانستان ابعاد منطقه ای و بین المللی پیدا کرده، در جلب همکاری های عملی و جدی کشورهای دخیل در مسأله افغانستان توفیق چندانی نداشته است.

برگزاری اجلاس چهار جانبه صلح به اشتراک افغانستان، پاکستان، آمریکا و چین، روشنترین نقطه ای بود که مردم افغانستان می توانست به آن امید ببندند، اما زمانی که می رفت تا این مذاکرات به گفتگوی مستقیم میان دولت افغانستان و مخالفان مسلح منجر گردد، رهبری طالبان هر نوع گفتگو با حکومت افغانستان را رد کرد. طالبان برای پیوستن به مذاکرات صلح پیش شرط های را مطرح کرد که پذیرش آن از سوی حکومت امری ناممکن بود. حالا این مذاکرات در حالی به بن بست مواجه شده که طالبان در سال گذشته به پیروزی های بزرگ نظامی دست یافته بود. تصرف ولایت کندز و تعداد زیادی از ولسوالی ها در شمال، شمال شرق و جنوب و جنوب غرب کشور نشانه پیروزی هایی است که طالبان می توانند در موضع گیری های سیاسی خود روی آنها حساب باز کنند. فعلا مسأله صلح تحت شمع شمع حملات بهاری طالبان قرار گرفته است. حملاتی که احتمالاً سخت و با تا کنیک های جدید همراه خواهد بود. مقامات پاکستان هم از آمادگی طالبان برای حملات بهاری سخن گفته است و مقامات امنیتی نیز تأیید می کنند که طالبان مانند سال گذشته حملات خود را شروع خواهد کرد.

بنابراین مردم افغانستان انتظار دارند که حکومت بجای دلخوشی کردن به سراب صلح، به راهکارهای جنگ بیندیشد و کمیت و کیفیت نیروهای امنیتی کشور را مطابق نیازهای موجود بالا ببرد. در ضمن دستگاه دیپلماسی کشور باید از حالت کما بیرون آمده و با رایزنی با کشورها، فشارهای سیاسی لازم بر پاکستان و گروه طالبان را افزایش دهد.

زنده یاد موسیقی محلی افغانستان!

مهدی مدبر



افغانستان نیز نسل جوان را مجذوب خود ساخته است و شنونده های زیادی دارد. مشهورترین رپ خوان افغانستان بیژن ظفرمل «بیژن کندوزی» است. موسیقی هیپ و هاپ و رپ عمدتاً توسط سیاه پوستان بوجود آمده است. موسیقی هیپ هاب بخشی از یک جنبش فرهنگی بنام هیپ هاب است که از عناصری همانند رقص و دیوارنویسی تشکیل شده است. موسیقی هیپ هاب به محبوبیت فرهنگ هیپ هاب در آمریکا کمک کرد. در دهه ی نود میلادی و اوایل قرن بیست و یک سبک موسیقی هیپ هاب به موفقیت تجاری قابل توجهی دست یافت و به این جهت بعضی از کلمات مخصوص هیپ هاب مثل Yo, flow و phat در لهجه های مختلف در آمریکا و سایر نقاط جهان بکار گرفته می شد. هنرمندان افغانستانی که به این سبک آواز می خوانند اشعار فارسی را با اشعاری از زبان های دیگر مخلوط می کنند و می خوانند. اخیراً گروهی از جوانان در ولایت هرات این سبک را بصورت ویژه پیگیری می کنند و میخوانند.

که آهنگ های محلی را با سازهای غربی بازسازی و بازخوانی بکنند. رونق پاپ، رپ و هیپ هاب و فراموشی موسیقی محلی! موسیقی محلی افغانستان همچنان که در چندین دهه قبل بسا ورود آله های موسیقی غربی کم فروغ شد، اکنون نیز با رونق گرفتن سبک های جدید موسیقی غربی در یوتی بی فراموشی سیرده شده است و کمتر کسی یاد و خاطره ی موسیقی محلی را زنده می دارد.

این روزها نوجوانان افغانستان بیشتر سبک های مشهور و مد روز موسیقی جهانی روی آورده اند و کمتر کسی علاقه مند است که با سازهای محلی و به سبک محلی آهنگ بخواند و اجرا داشته باشد. سبک موسیقی پاپ از سال ۱۹۲۱ و پس از تأسیس «راديو افغانستان» وارد موسیقی افغانستان شده است و از دهه ۱۹۴۰ به بعد رونق گرفته است. در راديو افغانستان سبک موسیقی پاپ را «آماتور» (غیر حرفه ای) می نامیدند و آوازخوانان سبک پاپ را «آماتور» می گفتند. مشهورترین خواننده پاپ افغانستان احمد ظاهر است که هنوز هم و پس از چندین دهه از مرگش، در بین جوانان افغانستان محبوبیت ویژه ای برخوردار است. موسیقی رپ و هیپ هاب محصول مهاجرت افغانستانی ها در کشورهای اروپایی و آمریکا است. بسیاری از نوجوانان افغانستان وقتی به اروپا مهاجرت کردند سعی کردند مدرن ترین سبک های موسیقی و مدرن ترین آله های موسیقی را بیاموزند. این سبک ها همچنان که در جهان طرفدارن و مخاطبان زیادی دارد، در زندگی می کنند، هر کدام از آنها نیز سبک های مختص موسیقایی خود را دارند و در هر بخش هنرمندان پرآوازه ی رشد کرده اند و در واقع به موسیقی محلی شان نیز کمک کرده است که رشد کند و غنی تر شود. از هنرمندان مشهور محلی خوان افغانستان می توان استاد «گل زمان» را در سبک «پکتیایی»، استاد صفدر توکلی را در سبک «هزارگی»، پکتیون را در سبک «لوگری» و ناوک هروی را در سبک «هراتی» نام برد. این هنرمندان سالها سازهای محلی را نواخته اند و سرودهای محلی را خوانده اند. بسیاری از این هنرمندان اسطوره ی سبک مخصوص شان به شمار می روند و نام آنها با سبک موسیقی محلی شان گره خورده است. با مروج شدن موسیقی هندی و پس از آن موسیقی غربی موسیقی محلی افغانستان کم رونق شد، اما بعضی از هنرمندان موسیقی محلی افغانستان با بازخوانی آهنگ های مشهور محلی همراه با سازهای جدید موسیقی، سعی کردند که موسیقی محلی را از حالت انزوا بیرون بکشند، استاد قاسم آهنگ های معروف «آستا برو» و «نازی جان» را باز سازی و بازخوانی کردند و تا هنوز این قطعات در افغانستان شنونده دارد. همچنان استاد محمد حسین سر آهنگ «بعضی از قطعات موسیقی محلی و محلی خوان های مشهور! موسیقی محلی یا آنچه که به زبان پشتو گفته می شود «کلیوالی» نظر به تفاوت فرهنگی زون های مختلف کشور، از هم تفاوت دارد و فرهنگ ویژه ی همان مناطق را بازگو می کند. همچنان که در افغانستان اقوام مختلف با فرهنگ ها و عنعنات مختلف

هنر و بخصوص موسیقی محلی در افغانستان روزگار مناسبی ندارند، این روزها رسانه های تصویری افغانستان کمتر به موسیقی محلی می پردازند و بیشتر به سبک های جدید موسیقی علاقه نشان میدهند. اما در روزهای اخیر جشنواره موسیقی محلی افغانستان از سوی مرکز رسانه یی «دف ریکارڈز» در کابل برگزار شد. همزمان با این جشنواره مرکز فرهنگی فرانسه در کابل نیز پس از یک سال و سه ماه تعطیلی، بازگشایی شد. این مرکز در ماه دسامبر سال ۲۰۱۴ پس از وقوع یک حمله ی انتحاری در هنگام نمایش تیاتر «تیش قلب: سکوتی پس از انفجار»، تعطیل شد و اکنون با تغییرات زیاد و تدابیر شدیدتر امنیتی دوباره بر روی هنرمندان افغانستان باز شده است.

جشنواره موسیقی محلی افغانستان میزبان هشت حوزه موسیقایی افغانستان بود: گروه های موسیقی بدخشانی، ازبکی، هزارگی، ترکمنی، بادغیسی، لوگری، هرات، جلال آباد و ریاست موسیقی کابل در این جشنواره شرکت کرده بودند و سازهای موسیقی محلی افغانستان را به صدا در آوردند؛ از صدای دمبوره هزارگی تا غیچک شمالی و زیر بغلی و دوتار هراتی همه در این جشنواره نواخته شد و نوستالژی آهنگ های ناب موسیقی افغانستان را زنده ساخت.

میزبان برگزاری جشنواره موسیقی محلی افغانستان می گویند هدف آنها از برگزاری این جشنواره رونق دادن به موسیقی محلی افغانستان است. رفیع بهروزیان مسئول مرکز رسانه یی دف ریکارڈز و از برگزار کنندگان این جشنواره در روز افتتاح جشنواره گفت: «ما می خواهیم زیبایی های موسیقی افغانستان را به شما نشان دهیم و مطمئنم شما از شنیدن موسیقی های در این جشنواره نواخته خواهید شد. لذت خواهید برد. باید روی موسیقی محلی افغانستان کار صورت گیرد و دوباره رونق گیرد.» پیش از این جشنواره ی ویژه ی موسیقی محلی در افغانستان برگزار نشده بود و این اولین بار است که یک جشنواره سه روزه به موسیقی محلی افغانستان اختصاص داده می شود.

موسیقی محلی و محلی خوان های مشهور! موسیقی محلی یا آنچه که به زبان پشتو گفته می شود «کلیوالی» نظر به تفاوت فرهنگی زون های مختلف کشور، از هم تفاوت دارد و فرهنگ ویژه ی همان مناطق را بازگو می کند. همچنان که در افغانستان اقوام مختلف با فرهنگ ها و عنعنات مختلف

کابل از این منظر غنی ترین پایتخت دنیا

کارتون روز

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
مدیر مسول: محمد رضا هویدا
سردبیر: حفیظ الله زکی
کاریکاتوربست: خالق علی زاده

دو زبان: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۲۷

روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.

هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود.

مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله ییاتگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

روزنامه

افغانستان

The Daily Afghanistan

Outlook
AFGHANISTAN
The Leading Independent Magazine